

کارکرد مکتب‌خانه در تحکیم و گسترش فرهنگ دینی در افغانستان در

نیم قرن اخیر

□ علیجان عادل * *

چکیده

فرهنگ نمادی از ارزش‌های مادی و معنوی یک جامعه است، به یقین هویت فرهنگی افراد یک جامعه تحت تأثیر محیط پیرامونی آن‌ها شکل می‌گیرد. گسترش فرهنگی زمانی حاصل خواهد شد که محیط پیرامونی با محیط فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. در کشور افغانستان و خصوصاً در مناطق شیعیان فرهنگ جامعه از مکتب‌خانه‌ها سرچشمه گرفته است. از گذشته‌های دور تا دوران معاصر مکتب‌خانه‌ها این مسئولیت را به تناسب شرایط و امکانات پاس داشته و نقش موثر در تحکیم و گسترش فرهنگ دینی اسلامی داشته است. سابقه تاریخی مکتب‌خانه و کارکرد آن در افغانستان در نیم قرن اخیر همراه با تحولات دچار تغییرات شده که تداوم آن را با شرایط جدید عصر حاضر با سؤالاتی مواجه ساخته است، اساسی‌ترین آن سؤالات عبارت‌اند از این‌که کارکرد مکتب‌خانه در رشد و گسترش فرهنگ دینی مردم افغانستان چگونه بوده؟ و چه دستاوردهایی را به همراه داشته است؟ برای یافتن پاسخ مناسب به این پرسش‌ها، سعی شده کارکردهای مکتب‌خانه در بخش تحکیم و رشد فرهنگ دینی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در کشور افغانستان و خصوصاً در مناطق شیعیان مکتب‌خانه‌ها با مدیریت علما و همکاری مردم، تنها بستر فرهنگی بوده که برای آموزش سواد و تحکیم و گسترش فرهنگ دینی، در خدمت مردم این مرز و بوم، قرار داشته و به این دلیل و به خاطر کارکردهای مثبت و دست‌آوردهای ارزشمندی که این نهاد سنتی داشته در گذشته‌ها بسیار مورد احترام بوده است.

کلیدواژه‌ها: مکتب‌خانه، فرهنگ دینی، دستاوردها، افغانستان، سده اخیر.

* دانشجوی دکتری تاریخ معاصر، جامعه المصطفی ص العالمیه (shahab adeli2020@gmail.com)

مقدمه

از ویژگی‌های برجسته مردم افغانستان پابندی به آداب و رسوم اسلامی و پیروی از سیره و زندگی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. به گفته آگاهان معاصر افغانستان با اینکه مردم افغانستان یک دوره نظام دموکراسی را تجربه کرده و مردم از آزادی برخوردار بودند. تعدادی زیادی از مردم افغانستان پس از مهاجرت چندین ساله در سایر کشورها و زیستن با فرهنگ، آداب و رسوم مختلف، با عنعنات دیرینه‌ی ملی و اسلامی خویش برگشتند به شدت به سنت‌های اسلامی پابند هستند. به نظر می‌رسد، مکتب‌خانه‌ها در ترویج فرهنگ دینی و تعمیق عنعنات آداب و رسوم اسلامی در جامعه افغانستان نقش اساسی داشته است که جزء لاینفک زندگی آنان شده است.

بدون تردید این آموزه‌های دینی را مردم از مکتب‌خانه‌ها فراگرفته است. زیرا در مکتب‌خانه علاوه بر تعلیم کودکان و دانش‌آموزان برای گسترش و تحکیم فرهنگ، آداب و سنن اسلامی سعی بلیغ صورت می‌گرفت. اگر در جامعه تشیع، فرهنگ و وقف، صدقات، کمک به نیازمندان، دست‌گیری مستضعفان، کارهای عام‌المنفعه، همانند ساختن مدرسه، مسجد، شفاخانه، ساختن پل‌چک‌ها و تعمیر راه‌های مواصلاتی بین قریه‌جات است همه‌ی این‌ها از کارهای است که در راستای فرهنگ همدلی و همسوی با هم‌نوعان از سوی «مکتب‌خانه‌ها» توسط علمای و ملای‌های مکتب در طول چندین دهه، تبلیغ و برای گسترش و ترویج آن تلاش شده است. بناء می‌توان گفت: که رسوم و عنعنات مردم افغانستان برخاسته از فرهنگ دینی بوده که نقش و کارکرد مکتب‌خانه در گسترش آن بسیار برجسته بوده است. در این مقاله در راستای تبیین چگونگی کارکرد مکتب‌خانه در تحکیم و گسترش فرهنگ دینی، در آغاز، پیشینه تاریخی مکتب‌خانه به بررسی گرفته شده و در ادامه نقش مکتب‌خانه در فرهنگ سازی و الگوسازی فرهنگ دینی و کارکرد آن در تحکیم نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگی جامعه مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱. مکتب‌خانه

برای مکتب، یا مکتب‌خانه تعریف مختلف ذکر شده است از جمله گفته‌اند مکتب به محل که در آن کودکان به شیوه سنتی آموزش می‌دیدند اطلاق می‌شود. (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، واژه مکتب) عده‌ی دیگر از اهل لغت می‌نویسند: مکتب‌خانه مرکب از دو کلمه «مکتب» و «خانه» است. مکتب به معنای محلی برای آموزاندن کودکان به کار می‌رود. (دهخدا، لغت‌نامه، واژه مکتب)

اما مکتب‌خانه در اصطلاح شعرا و بزرگان به محل تعلیم و آموزش به‌کاربرده شده است این احتمال هست که مکتب به معنای مصدر خویش باشد. (دهخدا، همان) یکی از محققان در مورد مکتب‌خانه‌ها می‌نویسد: منظور اصلی مکتب‌خانه‌ها آموزش خواندن و نوشتن بوده و به همین خاطر نام آن «مکتب» به معنای نوشتن و نوشت آموزش انتخاب شده است. (شبلی، تاریخ آموزش در اسلام، ۱۲۳)

در مکتب‌خانه همه‌چیز حول یک محور اصلی و آن قرآن مجید می‌چرخد، در واقع پایه اصلی آموزش در مکتب‌خانه‌ها یادگیری قرآن بوده که خانواده‌ها از ابتدا کودکانشان را به نزد آموزگاران بنام «ملای مکتب» می‌فرستادند تا از این طریق قرآن بیاموزند. دانش‌آموزان مکتب‌خانه‌ها پس از فراگیری سواد مقدماتی (خواندن و نوشتن فارسی، و روخوانی قرآن) به مدرسه‌های علمیه می‌رفتند و به تحصیل ادامه می‌دادند. حتی در دهه‌های اخیر که مکتب‌های رسمی و دولتی شروع به فعالیت نمودند، مکتب‌خانه‌ها همین نقش را داشتند.

۲. پیشینه تاریخی مکتب‌خانه

مکتب‌خانه‌ها یکی از مراکز آموزشی و تعلیمی در اسلام بوده است. بلاذری به نقل از واقدی از این نوع مراکز آموزشی در جامعه عرب قبل از اسلام هم نام برده است که در آن خواندن و نوشتن به بی‌سوادان تعلیم می‌شده است و اندک باسوادان صدر اسلام را محصول همین مکتب‌خانه‌ها دانسته است. (بلاذری: ج ۳، بی‌تا، ۵۸۳) بافزایش معلمان مسلمان هردو نوع مکتب (مکتب سوادآموزی و مکتب آموزش معارف دینی) در همدیگر ادغام شد و بر این جایگاه

عمومی آموزشی، اسم مکتب یا مکتب‌خانه (در فارسی) و اسم کُتاب (در عربی) گذاشته شد که تاکنون به همین نام خوانده می‌شود. (مظفری، مجموع مقالات، ۳۱) اما در کشور افغانستان از زمان ظهور و گسترش اسلام در این سرزمین، مکتب‌خانه نخستین مرکز تعلیم و تربیت اسلامی در نواحی مختلف و از جمله در سرزمین کهن بلخ و غزنین بوده است که معمولاً توسط ملاها و معلمین مکتب اداره می‌شد و تابه حال نیز ویژگی‌های خود را هرچند به صورت کم‌رنگ حفظ کرده است. بنا به گزارش‌های تاریخی، بلخ در به وجود آوردن مکتب‌خانه‌ها در میان ساحات مختلف افغانستان بلکه جهان اسلام پیشتاز بوده است. نخستین مکتب‌خانه برای آموزش و پرورش کودکان توسط یکی از شاگردان امام سجاد، ضحاک بن مزاحم در بلخ پایه‌گذاری شد. (ضیایی، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۵۰، ۱۷)

منابع مکتوب در باره تاریخ دقیق تأسیس این مرکز آموزشی وجود ندارد، اما در لابلای اوراق تاریخ گزارش‌هایی ذکر شده است؛ از جمله مدارک دال بر وجود مکتب‌خانه در نیمه دوم قرن اول و اوایل قرن دوم، زندگی‌نامه‌ی ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم بلخی (متوفای ۱۰۲ یا ۱۰۵ هجری) که در موردشان نقل شده است که مدتی به ملای مکتبی و آموزگار کودکان و نوجوانان در بلخ اشتغال داشته و در آن مرکز و مناطق اطراف آن حدود سه هزار پسر و هفت صد دختر تربیت نموده است. (مظفری، همان)

خلاصه، مکتب‌خانه‌ها در میان شیعیان افغانستان، به‌عنوان بخشی از نظام آموزشی، پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد. در منابع تاریخی و روایی از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم از حضور مکتب‌خانه‌های در افغانستان خبر داده است. در برخی مقاطع تاریخی که نظام آموزشی جدید و رسمی نیز در افغانستان فعالیت داشته و برای حضور شیعیان در مکتب دولتی محدودیت‌هایی وجود داشت و فرزندان شیعه نمی‌توانستند وارد مکتب دولتی شوند، مکتب‌خانه‌ها به‌عنوان رقیب و گاهی بدیل فعالیت داشته است. مکتب‌خانه‌ها تلاش می‌کردند شیعیان از باسواد شدن که جزء حقوق اولیه هر انسان به حساب می‌آید محروم نباشند. بسیاری از شیعیان افغانستان با توجه به اینکه نسبت به مکاتب دولتی بدین بودند از مکتب‌خانه‌ها به‌شدت استقبال می‌کردند و این نشان از نقش مکتب‌خانه‌ها در آموزش و

تعلیم شیعیان افغانستان است. در گذشته مکتب‌خانه‌های دینی تنها کانون آموزش اجتماعی و مرکز گسترش فرهنگ دینی محسوب می‌شده «ملا» به‌عنوان گرداننده یا مدیر مکتب‌خانه‌ها بوده که در بین مردم شهرهای مختلف افغانستان محبوبیت و شهرت کم‌نظیر داشته‌اند. در برخی مناطق که میزان سواد مردم به ۷۰ درصد می‌رسد که سهم مکتب‌خانه‌ها در آن بیش از ۹۰ درصد است. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۲۳۴) بسیاری از عالمان بزرگ افغانستان که امروزه در مسند و کرسی تدریس نشسته‌اند، دارای آثار علمی و شاگردان مبرز هستند در گذشته از شاگردان و دانش‌آموختگان مکتب‌خانه منطقه بودند. (ناصری عبدالمجید: ۱۳۹۰) بعد از روی کار آمدن مکتب‌های رسمی و دولتی نیز مکتب‌خانه‌ها به فعالیت خویش ادامه دادند.

۳. نقش مکتب‌خانه در فرهنگ‌سازی جامعه افغانستان

فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به‌عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند. (نوید شاهد، سایت: ۱۳۸۸، ۱۹ مرداد) فرهنگ‌سازی یعنی فرایند دادن نوعی از آگاهی در شرایطی مناسب که بتواند در افراد ایجاد تمایلات و گرایش‌های درونی بکند، تا تغییر در رفتار و باورهای مردم یک جامعه به وجود بیاورد. به یقین مکتب‌خانه در فرهنگ‌سازی نقش به‌سزای داشته است، برای حفظ آموزه‌ها و فرهنگ سالم و جلوگیری از خرافات و جلوگیری از مصرف‌های بی‌رویه در مراسم‌های عروسی و خیرات و مناسبت‌های دیگر، گاه مکتب‌خانه با همکاری موسفیدان منطقه بیانیه می‌دادند و در مناسبت‌های مختلف مردم را در مساجد و حسینیه‌ها جمع می‌کردند، برای مردم آسیب‌های رسومات خرافی را گوش‌زد می‌نمودند. و با استفاده از آیات و روایات و فرمایشان معصومین علیهم‌السلام در راستای آگاهی و فرهنگ‌سازی تلاش می‌نمودند تا تغییر در باورهای مردم به وجود بیاورند و مردم دست از رقابت‌های ناسالم بکشند و فرهنگ سالم در جامعه حاکم بشود.

مسئله اساسی این است که بدانیم چگونه می‌شود فرهنگ‌سازی کرد؟ آیا می‌شود بدون آگاهی دادن، فرهنگ‌سازی کرد و باورهای و عقاید مردم را تغییر داد؟ ممکن است گفته شود

بلی! می‌توان با ابزارهای الزام آور به صورت مصنوعی بدون وجودگرایش درونی رفتار دینی در جامعه ایجاد کرد، مثل: وضع مقررات و اعمال قدرت، ولی از این طریق، تغییر باورها مقطعی خواهد بود. زیرا وقتی اثر آن ابزار برطرف شد او به رفتار قبلی مطابق با تمایلات درونی خود ادامه خواهد داد. چون آن رفتار از عمق وجودش نیست.

شما فرض کنید یک سری قانون و مقرراتی از سوی یک عده و یا نهادی وضع بشود، مثلاً مقررات وضع شود که مراسم عروسی به شکل خاصی انجام شود، شیربها (گله) حد متوسطشان این مقدار باشد و از این فراتر نرود، تعداد مدعوین از این تعداد مشخص بیشتر نباشد، مجلس ختم، فاتحه، خیرات و خرج مصارفشان به این نحو باشد و مهمانی‌های پرهزینه برداشته شود خوب این مقررات وضع شد حالا ببینیم چه مقدار می‌تواند این مقررات در تغییر رفتار مردم و جامعه موثر باشد و چه قدر می‌تواند به عنوان راه حل کارساز باشد. اگر به خوبی بررسی و تحلیل صورت گیرد خواهی دید که این کار راحل مناسب نیست و درد را دوا نمی‌کند. چنانچه این کار تجربه هم شده است و بارها این اقدام صورت گرفته است بهبودی نیافته هیچ بدتر هم شده است. چرا؟ چرایی آن را باید آنجا جستجو کرد که اولاً اینکه قانون و مقررات ضمانت اجرایی می‌خواهد و نیاز به یک قدرت دارد مثل دولت که آن را به مرحله اجراء بگذارد؛ یعنی اگر یک کسی خلاف آن مقررات عملکرد جلویش را بگیرد این نوع مقررات که در جامعه ما از سوی عده‌ای وضع می‌شود ضمانت اجرایی ندارد؛ یعنی اگر کسی خلاف آن مقررات عملکرد یک قوه‌ای نیست که از آن کس بپرسد که چرا خلاف این مقررات و قانون عملکردی؟ اعمال قدرت کند جریمه کند تا دیگران خلاف مقررات کاری انجام ندهد.

ثانیاً بر فرض که قوه اجرایی باشد و ضمانت اجرایی هم داشته باشد باز از ناحیه‌ای دیگر به مشکل بر می‌خوریم و آن اینکه مگر چه قدر می‌توان تک تک افراد جامعه را زیر نظر گرفت تا در مراسم‌های عروسی و مهمانی خود خلاف آن مقررات عمل نکنند. از سوی دیگر این نظارت با عث عسر و حرج در جامعه می‌شود.

ثالثاً با فرض اینکه ضمانت اجرایی داشته و امکان زیر نظر گرفتن تک تک افراد جامعه هم

وجود داشته باشد باز هم چندان کار اساسی نشده است به علت اینکه تا زمانی که نظارت است ممکن است عملی شود؛ اما به مجرد این که قدرت و نظارت برداشته شود، جامعه به حالت اولیه خود بر می‌گردد چه بسا ممکن است بدتر هم بشود. در نتیجه این راهی که ما را به سرمنزل مقصود برساند نیست با ید راه دیگری جستجو کرد که مقطعی نباشد. بناً باید دنبال راه‌حلی باشیم که تغییر دوام‌دار ایجاد شود.

آن راه که می‌تواند کارساز باشد و می‌تواند مرهمی بر زخم‌های بی‌شمار پیکر جامعه ما باشد و می‌تواند جامعه را از ناهنجاری نجات دهد فرهنگ‌سازی است. باورها را باید تغییر داد تا مردم خودجوش به سوی حرکت کند که انتهایش خارج‌شدن از ناهنجاری‌های اجتماعی باشد، تغییر در باورها ایجاد نمی‌شود مگر اینکه یک کار اساسی فرهنگی صورت بگیرد. اینجاست که نقش مکتب‌خانه برجسته می‌شود بناء با محوریت مکتب‌خانه و علمای دین، در راستای فرهنگ‌سازی می‌شود یک کار اساسی فرهنگی انجام داد.

منظور از فرهنگ‌سازی در این مقاله پیداکردن منابع و ساماندهی آن برای این نوع کار فرهنگی است که همزمان این سه فرآیند اتفاق بیفتند. ۱- آگاهی دادن فرهنگ‌ساز در فضای مناسب. ۲- مساعد کردن محیط برای ایجاد گرایش و تمایل درونی. ۳- فراهم کردن فضای اجتماعی برای بروز و ظهور رفتارهای دینی. فقط آگاهی دادن رفتارسازی نیست. چون بین آگاهی دادن و ایجاد تمایلات و گرایش‌های درونی پیوند بسیار پیچیده‌ای است. و مباحث دیگری هم هست که شما چه نوع آگاهی را در چه فضایی و چه ساختاری به او منتقل کنید که در او ایجاد تمایل نماید. یک مجموعه متنوع دارو می‌ریزیم در فضای جامعه و آن‌ها با تشخیص خودشان می‌خورند و خوب می‌شوند؛ درحالی که تک‌تک افراد در موقعیت‌های مختلف درمان و داروی مختلف می‌خواهند. لازم است برای هر یک از افراد متناسب با شرایط او یک داروی فکری بدهید عکس‌العمل نشان دهد و شما بفهمید که درست نبوده است و داروی بعدی را تست کنید برای ایجاد تغییر باورها و فرهنگ‌سازی و حفظ فرهنگ دینی هم باید روش‌های مختلف را تست کرد هر قشر را با در نظر گرفتن طرز تفکرش آگاهی داد و فرهنگ‌سازی کرد. داشتن فرهنگ صحیح به جامعه و نسل جوان کمک می‌کند که مشکل فراوان را که در راه

دارند، بتواند تحمل کند و آسیب‌پذیری جامعه کم شود. البته داشتن فرهنگ صحیح که مبنای دینی داشته باشد؛ یعنی ارزش‌هایی را که دین معرفی می‌کند، جامعه بر اساس آن مشی و حرکت کند و آن را فرهنگ خود قرار دهد چنین فرهنگی می‌تواند جلوی آسیب‌های اجتماعی را بگیرد و جامعه را از مشکلات نجات دهد.

از گذشته دور مکتب‌خانه‌ها در این راستا تلاش کرده، می‌توان گفت مکتب‌خانه از جمله نهادی فرهنگ ساز بوده است. در جامعه افغانستان فرهنگ جامعه امروزی ما (تشکل خانواده، سبک ازدواج، مراسم و مناسک‌های دینی، از قبیل عزاداری دهه محرم، در مصیبت اهل بیت پیامبر اسلام، مراسم ختم، و مناسبت‌های دیگری دینی) مرهون تلاش‌هایی مکتب‌خانه‌ها و علما دین بوده است که سابقه طولانی دارد.

گردانندگان مکتب‌خانه عملاً با رفتارهای که برگرفته از آموزه‌های دینی است سعی می‌کنند تا مصداق فرمایش امام صادق علیه السلام باشد:

كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اُلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اِلْجِتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ

(مجلسی، ج ۶۷، ۳۰۹) مردم را به غیر از زبانتان دعوت به دین کنید، تا سعی و

کوشش و درستی و پرهیزگاری و خویشتن‌داری را از شما مشاهده کنند.

علما به عنوان مدیران و گردانندگان مکتب‌خانه باتوجه به رعایت اخلاق اسلامی بیش‌ترین تأثیر گذاری مثبت، فرهنگ‌سازی را در طول تاریخ داشته چنان‌که حضور آنان در میان مردم و ارتباط شان با اقشار گوناگون، اعم از مرد و زن، اثر ژرف در تحول فکری، روحی و فرهنگی داشته است.

۴. الگوسازی فرهنگ دینی مکتب‌خانه‌ها

هر جامعه‌ای برای فرهنگ‌سازی نیاز به یک الگو و نیاز به یک نهادی دارد که از نگاه فرهنگی آن را جهت‌دهی کند، مکتب‌خانه‌ها در جامعه افغانستان مهم‌ترین نهادی بوده که نقش الگو و راهنما را افا کرده است. افراد جامعه که برای نخستین بار در نخستین روزهای زندگی‌اش (دوران کودکی) در یک فضای بزرگ‌تر از خانه قرار می‌گیرد مکتب‌خانه است. در آنجا است که

با افراد متفاوت‌تر از اعضای خانواده‌شان آشنا می‌شود معاشرت صورت می‌گیرد و دوستان جدید برای خود پیدا می‌کند. کم‌کم باور و اعتقادات جدید در ذهنشان شکل می‌گیرد، در واقع الگوسازی فرهنگی آغازشان مکتب‌خانه‌ها است.

بدون تردید شکل‌گیری شخصیت انسان و نهادینه شدن فرهنگ در وجود انسان یکی از راه‌هایی‌شان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دوستان و معاشرت افراد باهم دیگر است. معاشرت با افراد صالح و دوری از دوستان ناباب در مکتب‌خانه برای شاگردان و خصوصاً برای نوجوانان بازگو می‌شد. گرداننده گان مکتب‌خانه (ملای مکتب) با استناد به روایات معصومین علیهم‌السلام چنانچه امام علی علیه‌السلام فرموده است: «قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَ بَیِّنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبْنِ عَنْهُمْ» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰۲، ۳۱) با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری کن تا از آنان نباشی. همچنین در کلام ادبا شعرا به اهمیت انتخاب دوست و دوری از رفیق و دوستان ناسالم به عنوان الگو در زندگی تأکید می‌کردند. عطار نیشابوری به زیبایی به آن اشاره نموده می‌گوید:

هر که با دونان نشیند دون شود با خردمندان نشیند خردش افزون شود
اسب‌تازی گر بی‌بندی در زمانی پیش خر رنگ او همگون نگردد طبع او همگون شود
(عطار نیشابوری: ۱۱۴۶م، ۱۲۲۱)

دوستان خوب تأثیر مثبت می‌گذارند و باعث ترویج فرهنگ سالم می‌شود و دوستان بد تأثیر منفی؛ لذا از نشست و برخاست با رفیق و دوست‌های ناباب و نادان منع شده است. با توجه به اهمیت انتخاب دوست صالح که مورد تأکید بزرگان دین به عنوان الگو در زندگی بوده و نقش مؤثر در فرهنگ‌سازی دینی در جامعه داشته است. با استفاد از آیات و روایات متعدد که دال بر اهمیت و تأکید آن دارد، اشاره به آن خالی از فایده نخواهد بود.

بدون شک دوست‌داشتن و عشق‌ورزیدن نسبت به خداوند متعال و اولیا و انبیای الهی کار پسندیده‌ای است و به آن تشویق و ترغیب شده است. اما دوست‌داشتن غیر از خداوند و غیر اولیا الهی، یعنی دوستی با افراد هم سطح خودمان از نگاه دین چه گونه است؟ آیا انتخاب چنین دوستانی کار صحیح است یا خیر؟ در این زمینه احادیث از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که ذیلاً می‌آوریم:

۱. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا رَزَقَهُ اللَّهُ خَلِيلًا صَالِحًا هَر كَس كَخَدَاوَنَد بَرَاي اَو خَيْر
بخواهد، دوستی شایسته نصیب وی خواهد نمود. (نهج الفصاحه، ۷۷۶، ۳۰۶۴)

۲. امیر المومنین عليه السلام که می فرماید:

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ صَبَّحَ مِنْ ظَفَرِهِ
مِنْهُمْ عَاجِزَتَرِينِ مَرْدَمِ كَسِي اسْتِ كَه اَز بَدَسْتِ آوَرْدَنِ دَوَسْتِ عَاجِزِ بَا شَدِ وَ
عَاجِزَتَرِ اَز اَو كَسِي اسْتِ كَه دَوَسْتِي رَا كَه بَه دَسْتِ آوَرْدَه اَز دَسْتِ دَهْد. (وسائل
الشيعة ج ۱۲ صفحه ۱۸)

آنچه از احادیث فوق بدست می آید این است که دوستی با انسان‌ها و دوست انتخاب کردن کار معقول و پسندیده است، منتها آن افراد که به‌عنوان دوست انتخاب می‌شود انسان‌های صالح و رفیق‌های مناسب باشد.

از رفیق نا مناسب در جهان	کن حذر تا از بلا یابی امان
همنشین بد تو را رسوا کند	بلکه ایمان تو را یغما کند
وه چه خوش فرمود آن اهل طریق	این سخن در صحبت یار و رفیق
تا توانی می‌گریز از یار بد	یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند	یار بد بر جان و بر ایمان زند

(اصفهانی، شاعر، ۱۳۱۲ هجری)

با افراد که به‌عنوان دوست با آن‌ها معاشرت می‌کنیم، افراد آگاه و دارای اخلاق پسندیده و فرهنگ سالم باشد و از افراد تازه به‌دوران رسیده، ولخرج و دارای عادات ناپسند، بی‌پرهیزیم. پس یکی از راه‌های فرهنگ‌سازی در جامعه معاشرت با انسان‌های سالم و متدین و تاثیر پذیری از آنهاست و از کسان که دارای اخلاق و رفتارهای ناپسند است باید دوری کرد. در مرحله نخست خانواده چون هسته‌ی مرکزی تربیت و فرهنگ‌سازی فرزندان است لازم است که فرزندان خود را از نشست و برخواست با افراد که با فرهنگ نامناسب بزرگ شده است بر حذر دارد. در مرحله بعد مکتب‌خانه‌ها و ملای مکتب این وظیفه به عهدشان است که مشوق انتخاب دوستان صالح باشد.

۵. کارکرد مکتبخانه در تحکیم نهاد خانواده

در جامعه سنتی افغانستان مکتبخانه نقش مؤثر در شکل‌گیری و تحکیم نهاد خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین شالوده‌ی فرهنگ دینی داشته است. منظور از خانواده در فرهنگ اسلامی، همان خانواده کوچک هسته‌ای (زن و مرد) در غرب نیست؛ بلکه دودمان وسیع‌تری را در بر می‌گیرد که شامل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و حتی عمه، خاله، عمو، دایی و فرزندان آنان نیز می‌شود. بر حفظ روابط در درون خانواده و اصطلاحاً «صلة ارحام»، یعنی حفظ روابط میان همه کسانی که زاده یک رحم یا دارای پیوندهای خونی و نسبی‌اند، به‌اندازه‌ای تأکید شده است که دیدار با خویشاوندان و نزدیک بودن به ایشان و حفظ روابط و پیوندهای خانوادگی، یکی از تکالیف دینی هر زن و مرد مسلمان تلقی شده است. تأکید بر ازدواج نیز به دلیل اهمیت زیاد خانواده است و این اهمیت تا جایی که نکاح را نصف ایمان ذکر کرده است.

خوب است در اینجا خاطره‌ی را از گفتار یکی از شخصیت‌های که آشنایی با آموزه‌های دینی داشته و زمانی هم در کشور افغانستان در چوکات حکومت مسئولیت دولتی داشته و پس از تسلط گروه طالبان در حدود سال ۱۳۷۷ به یکی از کشورهای غیراسلامی مهاجر شده و مدت بیش از ده سال در آنجا زندگی کرده است بیاوریم، ایشان در باره تشکیل خانواده در کشورهای غیراسلامی نظرشان این بود که بدترین تشکیلات خانواده، در کشورهای غیراسلامی است. طبق گفته ایشان، تشکیلات خانواده در آن کشورها عبارت است از: زن و شوهر و فرزند، اقارب دیگر از قبیل پدربزرگ و مادربزرگ عمه، خاله و عمو، دایی، خیلی شناخته شده نیست، یعنی بچه‌ها نمی‌داند عمویشان که هست؟ خاله‌شان که هست؟ و...؟. زیرا فرزند خانواده وقتی ازدواج می‌کند دیگر از پدر و مادرش جدا می‌شود. حتی وقتی پدر و یا مادر بر اثر پیری می‌میرد فرزندان‌شان خبر ندارد، به تعبیر ایشان پدر و مادر، در پیری، بر اثر تنهایی دیق مرگ می‌شود، بگونه که همسایه‌ها بعد از دو یا سه روز مردن‌شان، متوجه می‌شوند و به اداره دولتی زنگ می‌زنند و آنها می‌بایند جسد را بر می‌دارند و می‌برند محو می‌کنند. می‌گفت من وقتی به تازگی به آن کشور رفته بودم می‌دیدم که اکثر پیرمردها و پیرزن‌ها سک و گربه همراه دارند، من فکر

می‌کردم که این مردم چه قدر حیوان دوست‌اند، بعد از چند سال که آنجا بودم متوجه شدم که آن‌ها حیوان دوست نیستند بلکه حیوانات را به خاطر تنهای خود نگهداری می‌کنند و با آنها انس می‌گیرند، چون بچه‌های‌شان آنها را رها کرده است. (شفق، شفاهی، کابل، ۱۳۹۹)

اما در کشورهای اسلامی خصوصاً در جامعه افغانستان و تشیع با آموزه‌های دینی که مردم از «مکتب‌خانه‌ها» فرا می‌گیرد بهترین و گرم‌ترین کانون خانواده را دارند، در غم و شادی همدیگر شریک‌اند. فرزندان به پدر و مادر و حتی به پدر بزرگ و مادر بزرگ نهایت احترام را دارند، خدمت به پدر و مادر و همراهی آنان را در سن پیری از افتخارات و سعادت می‌دانند که خداوند نصیبشان کرده است. در فراگیر شدن این فرهنگ دینی در خانواده، مکتب‌خانه‌ها نقش مؤثر داشته است و همچنین کارکرد مکتب‌خانه در گسترش ازدواج به‌موقع به سبک فرهنگ دینی و اسلامی، بر کسی پوشیده نیست.

بدون تردید برای جلوگیری از گرفتار شدن جوانان به ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه، مهم‌ترین چیز این است که زمینه ازدواج فراهم شود، و در ازدواج و در تشکیل خانواده سالم برای جوانان سعی و دقت بلیغی را باید نمود. چنان‌که در متون دینی در زمینه ازدواج توجه خاصی صورت گرفته است، در سوره نساء آمده «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (النساء/ ۳) زنان را به نکاح خود درآرید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است.

همچنین در روایات منقول از پیشوایان معصوم به آن سفارش زیاد شده است از جمله پیامبر گرامی اسلام فرمودند «النِّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْهُ فَقَدْ رَغِبَ عَنِ سُنَّةِ» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۲۷) ازدواج، سنت من است. هر کس از سنت من رویگردان شود از من نیست. تشکیل خانواده سالم از مهم‌ترین مسائل در زندگی هر فرد است؛ زیرا نخستین کانونی که فرزندان به آن آشنا می‌شوند محیط خانه است نهاد خانواده اجتماع کوچکی است که منشأ شکل‌گیری اجتماع بزرگ جامعه می‌شود؛ از نخستین روزی که کودک چشم‌باز می‌کند کنجکاوانه اوضاع و احوال محیط انسان و رفتار خوب و بد والدین و همسالان را زیر نظر دارد و از آن‌ها الگوبرداری کرده و نگرش خود را نسبت به خانواده و اقشار مختلف شکل می‌دهد. اگر این کودک و نوجوان در خانواده‌ای بزرگ شود که در آن بد اخلاقی و بد رفتاری

است، قطعاً آن را الگو قرار می‌دهد و فردا که خودش برای خود تشکیل خانواده می‌دهد کار ناپسند از او سرخواهد زد و در جامعه هم مروج اخلاق بد خواهد شد.

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها از ره پنهان صلاح و کینه‌ها. (مولانا، مثنوی معنوی)

وظیفه مکتب‌خانه و گرداننده‌گان آن جهت‌دهی و بیان دستورات دینی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده است وظیفه مردم به عرصه‌ی بروز و ظهور رسانیدن این دستورات دینی است اگر بخواهیم یک کار اساسی فرهنگی در جامعه اتفاق بیفتد که در درازمدت نتیجه خوب از آن گرفته شود باید ریشه‌ای کار شود؛ ریشه‌ای جامعه خانواده‌ها است و افرادی که در آن خانواده بزرگ می‌شود؛ یعنی جامعه متشکل است از خانواده‌ها و افراد که در آن زندگی می‌کنند؛ بنابراین مکتب‌خانه در تبیین و تحکیم ارزش‌های دینی نقش فعال داشته است. مردم این آموزه‌ها را از مکتب خانه‌ها فرا گرفته‌اند که در راستای ترویج ازدواج مطابق با آموزه‌های دینی تلاش باید کرد. به درستی که از وظایف هر مسلمان در جامعه دینی این است که در تشکیل خانواده و آسان نمودن ازدواج، زندگی ائمه معصومین علیهم‌السلام را نمونه قرار دهد و دیگران را هم از آن آگاه کند. در شیوه زندگی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام و گفتار آن‌ها در مورد ازدواج، به روشنی استفاده می‌شود که آن‌ها دستور اکید داده‌اند تا مسلمانان هزینه‌های ازدواج را سبک، ساده و آسان بگیرند، و موانع سر راه مجردان برای ازدواج را بردارند، در روایت از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که فرمودند: **أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُوهُنَّ وَجَهًا وَأَقْلُهُنَّ مَهْرٌ** (الکافی، باب خیرالنساء، ۳۲۴) بهترین زنان امت من آنان هستند که خوش‌رو ترند و مهریه آن‌ها اندک‌تر است. در روایت از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

مِنْ بَرَكَةِ الْمَرْأَةِ خِفَّةُ مَثْوِيَّتِهَا وَ تَيْسِيرُ وِلَادَتِهَا وَ مِنْ شُومِهَا شِدَّةُ مَثْوِيَّتِهَا وَ تَعْسِيرُ وِلَادَتِهَا (الکافی، ج ۵، ۵۶۴) یکی از نشانه‌های برکت زن، سبک بودن هزینه‌ی زندگی او است و از نشانه‌های بد قدمی زن آن است که هزینه زندگی و ازدواجش سنگین باشد.

حضرت زهرا علیها‌السلام برترین بانوی جهان اسلام به قدری جهیزیه عروسی‌شان ساده بود که از حدود شانزده کالای ارزان‌قیمت تشکیل می‌شد. وقتی که کل ارقام جهیزیه حضرت زهرا علیها‌السلام را به حضور

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردند اشک در چشمانش حلقه زد و سر به آسمان بلند نمود و عرض کرد:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمِ جُلِّ آيَاتِهِمُ الْخَزَفِ (بحارالأنوار، ج ۱۳۰، ۴۳) خدایا به زندگی قومی که گران‌مایه‌ترین ظروفشان در سفال خلاصه می‌شود، برکت عنایت فرما هنگام مراسم عروسی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: همین نزدیکی خانه‌ای تهیه کن (اجاره کن) تا همسرت را به تو تحویل دهم. علی (علیه السلام) فرمود: در این نزدیکی جز منزل حارثه بن نعمان منزل مناسب دیگری نیست، فقط منزل او خالی و آماده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: همه‌ی اتاق‌های خانه حارثه را برای صحابه گرفتیم، خجالت می‌کشم این منزل را هم از او مطالبه کنم. این مطلب به گوش حارثه رسید، به حضور پیامبر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا من و اموالم به خدا و رسول خدا تعلق دارد. پیامبر برای او دعا کرد حارثه منزل خود را برای ورود فاطمه آماده نمود. فاطمه شب عروسی به آن خانه وارد شد، فرش‌شان در آن خانه پوست گوسفند بود که روی پشم آن پست می‌خوابیدند. (بهار الانوار، ج ۱۹، ۱۱۳) این نمونه‌یی است از آسان گرفتن ازدواج در صدر اسلام است.

در اکثر مناطق افغانستان و خصوصا در بین شیعیان از دواج با رسم خاص و مقدمات و گذراندن مراحل ویژه‌ی انجام می‌گیرد که این رسومات برگرفته از آموزه دینی است که مردم از مکتب‌خانه آموخته است. هرچند به نظر می‌رسد در سیر تاریخی که داشته در برخی موارد دچار انحرافات شده و ازخواستگاه اولیه خود فاصله گرفته است.

۶. کارکرد مکتب‌خانه در حل اختلافات خانوادگی

اصلاح ذات‌البین از مطالب بسیار مهم و مورد تأکید خداوند متعال و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) است، تا جایی که بارها خداوند در قرآن کریم به این مطلب اشاره فرموده است. در قرآن، واژه‌های صلح، «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (النساء/ ۱۲۸) اصلاح، «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (آل عمران/ ۱۰۳) تألیف قلوب، «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» و «سَلِّم» «ادخلوا فی السِّلْمِ کَافَّةً» (بقره/ ۲۰۸) نشان‌دهنده‌ی توجّه اسلام به صلح و صفا و زندگی مسالمت‌آمیز و شیرین است. اصلاح ذات‌البین از جمله سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است. در روایات اهل بیت نیز بسیار به این موضوع اهمیت داده شده و به‌عنوان یکی از برترین عبادات معرفی گردیده است.

چنان که امام علی (علیه السلام) در آخرین سفارش‌های خویش به فرزندانش، به این مهم توجه کرده فرمود: «وَصَلِّحْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكَمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: صَلِّحْ ذَاتَ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (نهج البلاغه: نامه ۴۷) از جد شما رسول الله شنیدم که می فرمود: اصلاح ذات البین از عموم نماز و روزه بهتر است در افغانستان به ویژه مناطق شیعیان بسیار از دعاوی حقوقی، نزاع‌های طرفینی و خانوادگی توسط عالمان دینی؛ به ویژه با پا در میانی ملای مکتب‌خانه‌ها، حل و فصل می شدند؛ زیرا حاکمان محلی که نماینده حکومت در منطقه بودند، بر اثر ظلم که بر مردم شیعه روا داشتند و به بهانه‌های مختلف آنان را مورد شکنجه قرار داده بودند، اموالشان را به بهانه مختلف به عنوان رشوه به غارت برده بودند؛ مورد اعتماد مردم نبودند. بر این اساس، شیعیان سعی می کردند دعاوی حقوقی و غیر حقوقی خویش را در منطقه توسط علما و ملاهای مکتب که از هر جهت مورد اعتمادشان بودند حل و فصل نمایند. ملای محل که به عنوان مکتب‌خانه دار نیز بود، چند نفر از محاسن سفیدان منطقه را در کنار خود می گرفت و بین دو طرف دعوا مصالحه می کرد. ملای مکتب علاوه بر کار تدریس امور تحریری محل را از قبیل تنظیم قباله و اجاره‌نامه، اجرای عقد ازدواج و طلاق بر عهده داشت و حتی برای بی سوادان محله نامه می نوشته و یا نامه‌های رسیده ایشان را می خوانده است.

از جمله برنامه‌ها مکتب‌خانه‌ها رسیدگی به مشکلات و دلخوری‌های خانوادگی، اهالی محل، روابط دوستان، امر به معروف و نهی از منکر، مشورت دهی و اندرزهای اخلاقی است که در تحکیم نظام خانواده و کاهش مشکلات آنان و حاکمیت اخلاق در میان آنان بسیار مؤثر است. (جمعی از نویسندگان، ۱۰۷-۱۰۸) چنان که در متون دینی و روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز به این مسئله تأکید فراوان شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آشتی بین مردم را به عنوان صدقه‌ای که خدا دوست دارد، معرفی کرده می فرماید: «يَحِبُّهَا اللَّهُ الصَّدَقَةُ ... وَتَقَارِبُ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا» (کلینی، ۱۴۹۷ ق، ج ۲: ۲۰۹) در این روایت نزدیک ساختن افراد جامعه به یکدیگر به هنگامی که از یکدیگر دور شده است از جمله صدقات صالحه دانسته شده است.

صدقه اقسامی دارد: از آن جمله صدقه زبانی است که میان مردم با سخن شیوا و شیرین واسطه شود و تلاش کند تا آتش کینه‌ها را خاموش کند و با تشویق به گذشت و مهربانی و

طلب آموزش و حلالیت برای رضای خدا بین آنان صلح و دوستی برقرار کند و بر این اساس خداوند متعال برای این بزرگواری؛ پاداش بزرگی در خور چنین تلاشی عطا می‌فرماید:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (النساء/ ۱۱۴)

در بسیاری نجواهای آنان خیری نیست، جز کسی که از طریق صدقه، یا کار نیک، یا آشتی در میان مردم فرمان دهد؛ و هرکه برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

خداوند متعال در این آیه شریفه آشتی دادن را در کنار صدقه و کار نیک قرار داده است و روشن است که اگر به همراه رضایت خداوند باشد، چه پاداش نیکی خواهد داشت؛ زیرا گاهی امر به معروف یا صدقه زبانی آشکار، شاید سبب شرمندگی و لجاجت کسی بشود باید به دور از چشم دیگران و پنهانی عملکرد و کمترین آن‌ها دعا و درخواست آموزش برای پیوند خوردن دل‌ها و گذشت از حق خویش برای ارتباط پیدا کردن بین انسان‌هاست. (انصاریان: ۱۳۸۳، ۱۱، ۱۳) وظیفه دار مکتب، در خیلی از مشکلات که در محل وظیفه شان روخ می‌داد، پادرمیانی می‌کردند و گاهی خیلی از مشکلات بزرگ با یک اندرز و نصیحت حل می‌شد.

۷. مکتب خانه و مقابله با ناهنجارهای اجتماعی

مکتب‌خانه به عنوان یک نهاد فرهنگی و دینی در مقابل ناهنجارهای اجتماعی موضع روشن را اتخاذ می‌نمودند. مدیران مکتب‌خانه (ملای مکتب) در اجرای حدود الهی بسیار قاطع عمل می‌نمودند و در برابر اقدامات غیراسلامی و ناهنجاری‌های اجتماعی عکس‌العمل نشان می‌دادند. چنان‌که نقل شده است، در یکی از مناطق افغانستان یکی از علما بزرگ که وظیفه ملای مکتبی را هم داشته، روزی از جلوی خانه‌ی رد می‌شود، می‌بیند که عده از مردان در پشت‌بام مشغول بازی با اسباب لهورولعب است. فوری می‌آید در مسجد و مردم را جمع می‌کند، و بالای منبر می‌رود خطاب به مردم می‌گوید: شما قبلاً جمعه خوانی شنیده بودید؛ اما چهارشنبه خوانی نشنیده بودید؛ ولی امروز چهارشنبه است که من شمارا جمع کردم، پس بدانید به خاطر امر مهم شمارا

جمع کردم، آنگاه حدیث از پیامبر اسلام ﷺ می‌خواند که پیامبر ﷺ فرمود دوره (آخر زمان) بر امت من بیاید که مردم علناً کارهای لهو و لعب انجام می‌دهند، بعد با آه ناله می‌گویند: ای مردم من امروز مردان را دیدم که مشغول بازی لهو و لعب با آلات قمار بودند. مردم از سخن سوزناک عالم دینی و ملای مکتب به گریه می‌افتد. (علیزاده، ۱۳۹۹/شفاهی)

لذا مردم از ترس اینکه ملای مکتب خبردار بشود جرئت نمی‌کردن که کارهای ناپسند ضد اخلاقی را علناً انجام دهد.

قابل توجه اینکه از جمله بر نامه‌های ملای مکتب در راستای اصلاح جامعه و باز داشتن مردم از کارهای ضد اخلاقی و ناهنجاری‌ها، ترتیب جلسه‌ی وعظ و خطابه در روز جمعه در مسجد محله با عنوان (جمعه خوانی) بوده است. خصوصاً در فصل زمستان که مردم بیشتر فراغت و فرصت داشتند، علاوه بر آن به صورت نشست‌های چهره‌به‌چهره نیز صورت می‌پذیرفت. عالمان محلی به خوبی دریافته بودند که تبلیغ چهره‌به‌چهره اثر بیشتر دارد. به همین جهت، روحانی محل در هنگام صرف غذا که عمدتاً با میزبان صرف می‌کرد و در جمع خصوصی خانواده میزبان حضور یافته به مسئله‌گویی، مشورت دهی، حل اختلاف خانوادگی و بیان اندرزهای اخلاقی می‌پرداخت که می‌توان گفت؛ در تحکیم نظام خانواده و کاهش مشکلات آنان و حاکمیت اخلاق در میان خانواده بسیار مؤثر بود. در این جلسات، اگر رفتار ناشایست و یا هنجارشکنی از کسی سر می‌زد با واکنش ملای مکتب مواجه می‌شد که طبعاً بسیار فرصت مغتنم بود. از جمله کارکرد مکتب‌خانه‌ها در طول تاریخ فعالیتش توجه ویژه به امر به معروف و نهی از منکر است طبق دستورات دینی امر به معروف و نهی از منکر واجب‌اند عقلاً و نقلاً به وجوب کفایی با شرایط خاص (سبحانی، فرهنگ معارف اسلام، ج ۱، ۲۱۱) این نکته را نباید از یاد برد که امر به معروف و نهی از منکر باعث رشد و آگاهی جامعه در امور دنیوی و اخروی می‌گردد. اگر در جامعه‌ی امر به معروف ترک شود، آن جامعه دچار ظلم و فساد خواهد شد و گناه این اعمال علاوه بر کسانی که آن را انجام می‌دهند، متوجه نهادی‌های دینی و گرداننده‌گان آن که امر به معروف را ترک کرده است نیز می‌شود.

بدیهی است این حکم اختصاص به مکتب‌خانه و متصدیان آن (ملای مکتب) ندارد. و تمام

رهبران فکری و دانشمندانی که به هنگام آلوده شدن مردم به گناه و سرعت گرفتن در راه ظلم و فساد، خاموش می‌نشینند در بر می‌گیرد، زیرا حکم خدا در باره همگان یکسان است. (مکاریم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۱۶۷) به این دلیل مکتب‌خانه‌ها و متصدیان آن اح‌تمام خاص به امر به معرون و نهی از منکر داشتن و آن را از جمله وظایف اصلی خود می‌دانستند.

۸. کارکرد مکتب‌خانه در تبلیغ تعالیم دینی و مبارزه بافساد

یکی دیگر از کارکردهای مکتب‌خانه تبلیغ و تبیین تعالیم دینی است. آیه شریفه «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْفُرُونَهُ» (آل عمران/ ۱۸۷) به خاطر بیاورید هنگامی را که خدا از کسانی که کتاب (آسمانی) به آن‌ها داده شده پیمان گرفته که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید. اشاره به این مطلب دارد که؛ ابلاغ و تبیین تعالیم و حقایق دینی برعهده‌ی علما دینی به عنوان متصدیان و گردانندگان مکتب‌خانه‌ها است. تبیین حقایق دینی موجب آگاهی عمیق مردم از دین شده و جلوی تفرقه و کج‌فهمی را می‌گیرد، و در نتیجه سبب اتحاد و انسجام می‌شود.

کلمه «تبیین» که در آیه فوق به‌کاررفته نشان می‌دهد که منظور آیه تنها تلاوت آیات قرآن و نشر آن نیست. بلکه منظور این است که حقایق آن را آشکار در اختیار مردم بگذارند تا به‌روشنی همه توده‌ها از آن آگاه شوند و به روح و جان آن‌ها برسند، آن‌های که در تبیین و توضیح و تفسیر و روشن ساختن مسلمانان کوتاهی کنند، مشمول همان سر‌نوشتی هستند که خداوند در قرآن کریم آن را برای علما یهود بیان کرده است. (مکارم شیرازی: ۲۰۷-۲۰۸) به گفته مفسرین منظور از «مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» علما هستند و از «لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْفُرُونَهُ» این که برای مخاطبان‌شان دین خدا را توضیح دهند. (بیضاوی، أنوار التنزیل، ج ۲، ۵۳) این آیه دلالت دارد بر وجوب اظهارحق و حرمت کتمان آن و بیان احکام دین و رفع شبهات از اموری که مختص به علما است نیز در بر می‌گیرد.

پیامبرگرامی اسلام ﷺ در باره کسانی که احکام الهی را می‌آموزند و برای مردم بازگو نمی‌کند چنین می‌فرماید:

مَنْ كَتَمَ عِلْمًا نَافِعًا أَلْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ۷۸). کسی که علم نافی را از دیگران پنهان کند خداوند در روز قیامت او را لجامی از آتش می‌زند.

در بیان نورانی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است؛ خداوند علما را به خاطر اینکه علمشان را به دیگران نیاموزند قبل از جهلا مؤاخذه می‌کند.

ما أخذ الله ميثاقاً من أهل الجهل بطلب العلم حتى أخذ ميثاقاً من أهل العلم» (المتقى، كنز العمال، ۱۰، ۲۹۸) بناء هرکسی به هر اندازه که از علم و دانش بهره‌ی دارد باید در اختیار دیگران قرار دهد، تا دیگران هم از آن بهرمنند شود.

از مهم‌ترین کارکرد مکتب‌خانه در ضمن تبلیغ تعالیم دینی مبارزه با فساد در جامعه بوده است. طبق دستور خداوند متعال که در قرآن کریم بیان فرموده است در سوره هود در آیه ۱۱۶ می‌فرماید: «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ» (هود/۱۱۶) چرا در قرون (اقوام) قبل از شما دانشمندان صاحب قدرت نبودند که از فساد در روی زمین جلوگیری کنند.

به این دلیل مکتب‌خانه و متصدیان آن (ملای مکتب) در افغانستان وقتی فسادی را مشاهده می‌کردند، سریع عکس‌العمل از خود نشان می‌دادند، مردم را در مسجد جمع می‌کردند و به ایراد سخن می‌پرداختند و با تمسک به آیات و کلام معصومین مردم را از عذاب الهی می‌ترساندند. استناد به آیات قرآن کریم به مردم گوشزد می‌کردند که علت سقوط امت‌های پیشین بی‌تفاوتی و ترک نهی از منکر بوده است و دلیل اصلاح جامعه مبارزه با فساد بوده است.

مفسران در ضمن تفسیر آیه فوق‌الذکر گفته‌اند: در همه‌ی زمان‌ها، افراد بی‌تفاوت نسبت به مفاسد اجتماعی، محکوم و مورد انتقاد است «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ» بیشترین مسئولیت مبارزه با فساد متوجه صاحبان علم و قدرت است «أُولُوا بَقِيَّةً» و در هر جامعه‌ای، افراد مصلح و دلسوز در اقلیت هستند الا قلیلا علت سقوط امت‌های پیشین بی‌تفاوتی و ترک از منکر بوده است. از وظایف قطعی مؤمنین برخوردار کردن با فساد اجتماعی است، تا بشر از

برنامه عدل و حق الهی بهر مند شود. با صلاح و صدق و اطمینان بتوانند زندگی خود را ادامه بدهند. (مصطفوی: ۱۳۸۰، ج ۱۱، ۳۲۹)

حضرت رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَفَيْلَ لَهُ وَ مَا
الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ پیامبر ﷺ فرمودند:
همانا خداوند بر مؤمن ضعیف غضب می‌گیرد و او کسی است که دین ندارد. از
حضرت رسول سؤال شد مومنین که دین ندارد چگونه شخصی است.

حضرت فرمود کسی که مردم را از فساد منع نکرده باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
پیروزی از آن گروهی است که با بقای اسلام سازگارتر باشد و سخن خداوند است که فرمود:
«أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ۱۲۵) نتیجه آنکه رساندن این
پیام الهی از جمله مهم‌ترین کارکرد مکتب‌خانه در افغانستان به‌شمار می‌آید که در این امر از
زمان پیدایش آن تا دوران معاصر توجه ویژه صورت می‌گرفته است.

۹. مکتب‌خانه و پاسخ‌گویی به شبهات

شبهات، جمع شبهه و به معنای ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن، مسلم نبودن
آمده است و نخستین شبهه که در خلقت شد به‌وسیله ابلیس بوده در باب خلقت آدم. وقت
خداوند به او فرمان داد که بر حضرت آدم سجده کند

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ
يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ (بقره/ ۳۰)
هنگامی که خداوند به ملائکه فرمود: تصمیم دارم انسان را در زمین خلیفه و
جانشین خود نمایم فرشتگان گفتند پروردگارا انسان موجودی است اهل فساد و
خونریزی و ما اهل حمد و تسبیح هستیم و شایسته این کار، شیطان ایجادشبه کرده
گفت: که آدم را از خاک بیافریدی و من را از آتش و آتش بر خاک برتری دارد.

و این آیه شریفه

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الْأَذْكَرِ إِنْ كُنْتُمْ

لا تعلمون (النحل/ ۴۳) و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم اگر نمی‌دانید، از آگاهان بی‌پرسید تا تعجب نکنید از این که پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است. به این مطلب اشاره دارد که مردم در صورت ندانستن مسائل و مشتبه شدن امر باید اهل ذکر مراجعه کند، اهل ذکر در اینجا علما و گردانندگان مکتب‌خانه‌های دینی هستند.

به‌هرحال آیه فوق بیانگر یک اصل اساسی اسلامی در تمام زمینه‌ها زندگی مادی و معنوی است و به همه مسلمانان تأکید می‌کند که آنچه را نمی‌دانند از اهل اطلاعش پرسند و پیش خود در مسائلی که آگاهی ندارند دخالت نکنند. به این ترتیب نه تنها در زمینه مسائل اسلامی و دینی اهل‌الذکر علما (ملای مکتب) از سوی قرآن به رسمیت شناخته شده، بلکه در همه‌ی زمینه‌ها مورد قبول و تأکید است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه **«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»** می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ذکر من هستم و ائمه اهل ذکر هستند. (کلینی، همان) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث نورانی دیگر در این زمینه می‌فرماید:

لا يحل للعالم الا ان ييذل علمه و لا يحل للجاهل الا ان يتعلم ثم تلا
فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شایسته نیست برای عالم مگر این که علمش را بخشش کند، و شایسته نیست برای جاهل مگر این که علم را فرا بگیرد. (الطبرانی: ۱۴۱۵، ج ۵، ۲)

باتوجه به تأکید قرآن مجید و کلمات نورانی ائمه معصومین مکتب‌خانه به عنوان یک نهاد فرهنگی دینی و ملای مکتب به‌عنوان متصدیان و گردانندگان مکتب‌خانه تنها مرجع و پایگاه پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات است که در بین مردم وجود دارد. وظیفه مردم هم این است سؤالات و شبهات که در ذهنش وجود دارد از علما و روحانیت جامعه‌ی خود بی‌پرسند و از تاریکی جهل و ضلالت خودشان را نجات دهند.

۱۰. مکتب‌خانه و جهت‌دهی و مدیریت منابع انسانی

در جامعه‌ی بشری انواع مختلف منابع قابل‌تصور است منابع مادی، منابع انسانی و منابع

دینی می‌توان این منابع سه‌گانه را این‌گونه تبیین کرد:

۱. منابع مادی: استفاده از منابع مادی در جهت فراهم‌کردن آسایش در زندگی و آماده‌سازی زمینه تعلیم و تربیت فرزندان.

۲. منابع انسانی: مدیریت و استفاده از منابع انسانی در راستای جهت‌دهی جامعه و مردم به سوی کمالات و ارزش‌ها؛ در چگونگی زندگی کردن چگونگی بهره‌گیری و استفاده از طبیعت،
۳. مدیریت منابع دینی، تبیین ارزش‌های اخلاقی، رفتار حسنه دوری از ناهنجاری‌ها، چگونگی ارتباط برقرارکردن با دیگران و نسبت به همدیگر محبت ورزیدن، مسئولیت‌پذیری.

معمولاً آنچه در ذهن از واژه منابع تداعی می‌شود بیش‌تر منابع مادی است. انسان‌های نخبه و جوان‌های تحصیل‌کرده به‌عنوان منابع در ذهن تداعی نمی‌شوند و منابع غنی انسانی ناشناخته می‌ماند درحالی‌که منابع انسانی مهم‌تر از منابع مادی است؛ زیرا این انسان است که در پرتو علم و دانش طبیعت را به اختیار گرفته منابع مادی را به وجود می‌آورد، از گُرّه‌ی خاکی فراتر رفته در فضا چنگ انداخته، در هوا و فضا تصرف می‌کند. بناء لازم است به منابع انسانی بیش‌تر توجه شود، یکی از منابع ارزشمند نسل جوان است که اگر درست بر اساس موازین و دستورات دینی تربیت شود بزرگ‌ترین سرمایه است. جامعه وقتی دینی شده است که جوانانش دین‌دار باشند. چون در دوره جوانی است که تصمیمات اصلی زندگی گرفته می‌شود. ازدواج، اشتغال، مشی زندگی، نوع تحصیلات. اگر این نوع تصمیمات زندگی متأثر از بینش اسلامی و رفتار دینی نباشد بقیه تصمیمات در زندگی، تصمیمات کوچکی است؛ بنابراین ما وقتی می‌توانیم بگوییم جامعه‌ای اسلامی و دینی است که وقتی به بستر جامعه نگاه کنیم، بی‌بینیم جوانان متدین‌اند و تصمیمات اصلی خود را متأثر از بینش اسلامی می‌گیرند.

باید توجه داشته باشیم که جوانان به‌عنوان منابع مؤثر در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. جوان در سن بلوغ کنجکاو و به دنبال رسیدن به ارزش‌هاست، ضمناً غریزه‌ی شهوتش هم بیدار می‌شود. باید توجه داشت که در چنین سن یک جوان حقیقت‌جو هم هست، او در پی خدا می‌گردد. او دنبال هم‌راز و هم‌سخن می‌گردد که دردها و مشکلاتش را با او بگوید تا تخلیه شود؛ اما ما چون یک هم‌سخن و هم‌راز خوب برای نسل

جوان خود نیستیم او با افراد ناباب هم‌سخن می‌شود و رفیق و دوست نااهل پیدا می‌کند سر از اعتیاد و انواع خلاف در می‌آورد، در سنین که او نیاز به تشکل زندگی ازدواج دارد ما شرایط ازدواج را به‌گونه‌ای برایش سخت کردیم که او به‌کلی از زندگی نا امید می‌شود و دچار افسردگی و سردرگمی هویت شخصیتی می‌گردد. در نتیجه از مهم‌ترین کارکرد مکتب‌خانه تربیت و جهت‌دهی منابع انسانی است. یعنی جوانان با استعداد را شناسایی و جهت‌دهی به سویی ارزش‌های دینی کند. مکتب‌خانه جایی است که فرزندان و نوجوانان ارزش‌های دینی را فرامی‌گیرد و مهم سرمایه فرهنگی را تربیت مینماید.

نتیجه

کارکرد مکتب‌خانه در زمینه فرهنگ سازی جامعه‌ی دینی، الگوسازی فرهنگی و کارکرد آن در تحکیم نهاد خانواده اسلامی، حل اختلافات خانوادگی و منطقه‌ی، مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی، مبارزه با فساد تبلیغ تعالیم اسلامی، پاسخگویی به شبهات از مهم‌ترین نکات و مطالب است که در این مقاله به آن پرداخته شده است و به طور خلاصه از نوشتار حاضر میتوان به جمع بندی به شرح ذیل رسید:

۱. در سرزمین مثل کشور افغانستان که شیعیان در اقلیت بوده و در زمینه‌ی آموزش تعلیم و تربیت همواره مورد تبعیض قرار می‌گرفته مکتب‌خانه‌ها تنها محل برای تعلیم و تربیت فرزندان جامعه شیعه و رشد فکری، فرهنگی و زمینه گسترش آموزه‌های دینی بوده است.
۲. مکتب‌خانه‌ها از مهم‌ترین مراکز و کانون فرهنگی به شمار می‌آید که در احیاء و گسترش فرهنگ دینی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نقش مؤثر داشته است. از نگاه سابقه تاریخ همزمان با پیدایش و گسترش اسلام در کشور افغانستان، مورد توجه همگان بوده است.
۳. مکتب‌خانه از آنجای که در زمینه گسترش فرهنگ دینی، تبلیغ مسائل اسلامی، اصلاح ذات البین، حل دعاوی و نزاع‌های که در برخی موارد در بین افراد محله و قریه پیش می‌آمده، و نوشتن قباله و عقد و قراردادهای، و همچنین عقد ازدواج و طلاق، تقسیم ارث، و انجام مسائل کفن و دفن میت، موعظه پند و اندرزهای اخلاقی، نقش فعال داشته همواره بین مردم از احترام خاصی برخوردار بوده است.

کتابنامه

-
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ ۳، دارالفکر الطباه و النشر والتوزیع - بیروت ۱۴۱۴ق.
- ابو فریدالدین ابوحامد مشهور به شیخ عطار نیشابوری (۱۱۴۶م/۵۴۰ق - ۱۲۲۱م
ابولحسن، احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، دار و مکتبه الهلال، بیروت لبنان، ۱۹۸۸م.
اعتمادی، عصمت الله، نقش روحانیت معاصر شیعه در تحولات فرهنگی افغانستان، قم، ۱۳۸۷.
امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
حداد عادل، غلامعلی دانشنامه جهان اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع، ۱۳۸۹.
حسن، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران - انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
خسرو، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹
- خسروانی، میرزا، تفسیر خسروانی، چاپ ۱، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ق.
دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۵.
دولت آبادی، بصیر احمد، شناسنامه افغانستان، تهران، انتشارات شریعتی، عرفان ۱۳۸۷.
سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات دانشگاه، تهران، چاپ ۳ تهران ۱۳۷۳
سروش، عبدالکریم، مدارا و مدیریت، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶ش.
سعیدی، علی، مبانی و لوازم کلامی سکولاریسم، نشریه کتاب نقد، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۵، ۱۶۷.
- شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم ۱۳۸۱.
شجاعی زند، علیرضا، دین جامعه و عرفی شدن، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ش.
ضیایی، محمدرضا، تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، چاپ ۱، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۶ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۵، دفتر انتشارات اسلام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.

کارکرد مکتبخانه در تحکیم و گسترش فرهنگ دینی در افغانستان در نیم قرن اخیر □ ۹۱

فتحعلی، محمود، و دیگران، درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.

فصلنامه علمی - تخصصی انجمن تاریخ اسلام، شماره ۱۷، ۱۳۹۹ ش.
فنائی، ابوالقاسم، انتظار بشر از دین، مجله نقد و نظر، سال دوم، شماره ۷ - ۸، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ۲۷۹.

قدردان قراملکی، محمدحسن، حکومت دینی از منظر شهید مطهری، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش ۱۳۷۹ ش.

قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
گناه آبادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، چاپ ۲، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

مجتهد شبستری، محمد، مجله راه نو، سال اول، ش ۱۳۷۷، ۱۹ ش.
مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ ۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
محمد عزیز، بختیاری، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۵، چاپ اول، ص ۲۳۴.
مزینانی، محمدصادق، «قلمرو اجتماعی دین از دیدگاه شهید مطهری»، نشریه حوزه، سال شانزدهم، ش ۹۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸.

مصباح، محمدتقی یزدی، آموزش عقاید، ج ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵.
مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ج ۱، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۹۰ ق.
مصیب، غلام حسین، دایره المعارف فارسی، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱.
مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، مجموعه آثار، تهران، ج ۱، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ ش.

_____، مجموع آثار، خاتمیت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱ ش.
مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

میرزاده، عبدالکریم و دیگران، تاریخ تعلیم و تربیت در افغانستان، کابل، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب وزارت تعلیم و تربیت، ۱۳۷۹.

